Archive of SID

تجلی طرح و نقش منسوجات چینی در هنرهای ایلخانی

دکتر فریده طالب پور

چکیده

شواهد تاریخی نشان دهنده‌ی ارتباط تجاری، اقتصادی و سیاسی بین دو کشور ایران و چین، از زمان‌های بسیار دور است که این روابط با حاکمیت مغولان بر ایران تحکیم یافت. در دوره‌ی ایلخانان، بافت انواع پارچه‌های نفیس که قبل از حمله‌ی مغول در ایران رواج داشت، ادامه یافت. عناصر طراحی چینی، مانند اژدها، سیمرغ و انواع گل‌ها، جهت تزیین هنرهای این دوران، کاربرد فراوان داشت. با توسعه‌ی تجارت بین ایران و چین، انواع کالاهای چینی مانند منسوجات ابریشمی و سفالینه‌های لعاب‌دار، از چین وارد ایران می‌شد و هنرمندان ایرانی از نقوش آن‌ها، در بافت پارچه استفاده می‌کردند. همچنین استفاده از نقوش چینی، در سفالینه‌ها و کاشی‌های تخت سلیمان، قابل توجه است. تعدادی از کاشی‌های به دست آمده از تخت سلیمان، دارای آرایه‌های تزیینی چینی هستند. کاربرد برخی از نقش مایه‌های تزیینی چینی در نقاشی‌های ایرانی این دوره نیز تحت تأثیر هنر چین بوده است.

سؤالاتی که در این مقاله پاسخ داده می شود:

۱-آرایه‌های تزیینی منسوجات چین چگونه و با چه شرایطی بر هنر ایران تأثیر گذاشته است؟

۲-عناصر تزیینی هنر چین کدامند و بر چه آثاری از هنر ایران جلوه‌گری نموده است؟

اهدافی که در این مقاله مد نظر است:

۱-شناسایی نوع تأثیرپذیری هنر ایرانی از آثار و عناصر تزیینی منسوجات چینی.

۲-شناخت نقوش تزیینی منسوجات چین و بررسی آثار تأثیرپذیرفته‌ی هنر ایرانی.

واژگان کلیدی: هنر ایلخانی، منسوجات چینی، عناصر و نقش‌مایه‌های چینی.

www.SID.ir

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا

Archive of SID

مقدمه

مغولان طوایف چادرنشینی بودند که با هجوم خود بر سرزمین‌های چین، تبت و کشورهای آسیای میانه، ایران و سایر نقاط آسیا، با رهبری چنگیزخان، خرابی‌های زیادی را به وجود آوردند. مغولان مهاجم، ساکنان هر شهری را که در برابر قوای نظامی آن‌ها مقاومت می‌کردند از دم تیغ می‌گذراندند، اما با صنعتگران و پیشه‌وران رفتار مناسبی داشتند، به خصوص با آن دسته از بافندگان و صنعتگرانی که سازندگان اشیاء طلایی، نقره‌ای و پارچه‌های ابریشمی بودند به خوبی رفتار می‌کردند. مغولان زمانی به ایران حمله کردند که این کشور حدود ۵۰۰ سال، با فرهنگ اسلامی، عجین شده بود و با تسلط آن‌ها، هنر و تمدن ایران نیز تحت تاثیر هنر شرق، به ویژه هنر چینی سلسله‌ی سونگ و یوان قرار گرفت.[۱] در این دوره، سلطان جلال‌الدین خوارزم شاه در ایران، در برابر هجوم مغولان، ایستادگی کرد، اما سرانجام کشته شد و اوکتای قاآن ایران را فتح نمود. به دنبال آن، هولاکوخان در سال ۱۲۵۶/ ۶۵۴ با برانداختن اسماعیلیه و انقراض سلسله‌ی عباسی، سلسله‌ی ایلخانی را در ایران بنیاد نهاد.[۲]

از گذشته‌های دور، بین دو کشور ایران و چین، روابط تجاری، اقتصادی و سیاسی وجود داشت اما از سده‌های یازدهم- سیزدهم/ پنجم- هفتم بر اثر افزایش ورود کالاهای چینی و توسعه‌ی ارتباطات تجاری ایران با آن کشور، روابط فرهنگی و بازرگانی، با شدت بیشتری میان پادشاهی ایران و چین، که از یک خانواده بودند، برقرار گردید. با حمله‌ی مغول و ورود عده‌ای از بافندگان چینی به ایران و مهاجرت تعدادی از بافندگان مسلمان به چین، تاثیر سبک‌ها و روش‌های تزیینی چین و ایران در منسوجات هر دو کشور رو به افزایش نهاد.[۳] در اوایل تهاجم مغولان، صنعتگران اسیر شده به مرکز حکومت، یعنی قراقوروم[۴] فرستاده می‌شدند. بسیاری از صنعتگران چینی نیز در این شهر ساکن بودند که آثار آن‌ها، به مغرب زمین هم رسیده است. هم‌چنین کارگاه‌های صنعتی، در مراکزی که به تصرف مغولان در می‌آمد برپا می‌شد. در این دوره حکمرانان شهرها، موظف بودند مالیات را به صورت طلا، نقره و ابریشم به حضور خان بزرگ در پایتخت بفرستند و لذا، منسوجات ابریشمی، ارزشی معادل پول یافتند و به عنوان مالیات یا جزای جنگی مورد مصرف قرار می‌گرفتند.[۵]

منسوجات نفیس، جزء اقلام اصلی تجارت در روابط تجاری آسیا و اروپا قلمداد می‌شد و ایران، به عنوان واسطی حد فاصل مسیرهای دریایی و خشکی، مراکز تجاری شرق و غرب را به یکدیگر متصل می‌کرد. پارچه‌های نفیس، کمیاب و ارزشمند بودند و تجار آن‌ها را در اقلام تجاری خود پذیرفته و با سهولت حمل و نقل می‌کردند. مغولان چادرنشین نیز علاقمند به این ثروت قابل حمل یا استفاده از آن در گروه پوشاک بودند، بنابراین در میان دیگر کالاهای ارزشمند تاجران مغولی، پارچه‌های نفیس و بافته شده از طلا و نقره یافت می‌شد. در آن دوره، ایران به داشتن منسوجات نفیس ابریشمی، که گاهی با الیاف طلایی بافته می‌شد، به معروفیت قابل توجهی دست یافته بود.[۶]

ایلخانان تحت تأثیر هنر و فرهنگ ایران قرار گرفته و با انتخاب وزرای ایرانی موجب اصلاحات اجتماعی، ادبی و علمی در ایران شدند. بدین گونه پارچه‌های نفیسی که از دوران قبل از استیلای مغول، در ایران بافته می‌شد، در زمان ایلخانان نیز به تولید خود ادامه داد؛ زیرا امیران و وزیران وقت، بافت پارچه‌های ابریشمی زربفت را، در مراکز حکومتی خود تشویق می‌کردند. بنابراین، تهیه و بافت انواع پارچه، در دوره‌ی ایلخانی نیز رونق فراوانی یافت. آن‌ها پارچه‌بافان ماهر و زری‌بافان را از همه‌ی نقاط کشور به مرکز حکومتی فرا خوانده و بعضی از شاهزادگان و درباریان مغولی نه تنها مشوق رونق صنعت پارچه‌بافی بودند، بلکه در تولید آثار هنری، هنرمندان بافنده‌ی ایرانی را در خلق آثار هنری همراهی می‌نمودند.[۷]

منسوجات در انتقال عناصر و نقش مایه‌های هنری از چین به ایران تأثیر قابل توجهی داشتند. برخی از اقلام صادراتی چین به ایران شامل ابریشم خام، منسوجات و ظروف چینی طرح‌دار لعابی بود که هنرمندان ایرانی از طرح‌های آن‌ها در تزیین آثار هنری استفاده می‌کردند. افزایش تأثیر شیوه‌های چینی در تزیین بافته‌های این دوره، ناشی از افزایش واردات انواع منسوجات چین، گسترش تجارت با خاور دور و ورود تعدادی بافنده و هنرمند چینی به ایران بود.[۸] لذا عناصر چینی مانند اژدها و دیگر جانوران تخیلی در پارچه‌های ایرانی نمود یافتند.

۱-شراتو، امبرتو و ارنست گروبه، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶، ص۳.

۲-مهرآسا، غیبی، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، هیرمند، ۱۳۸۴، ص ۳۷۰.

۳-حسن، زکی محمد، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه‌ی محمد خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۶۶، ص۲۳۴.

4-Khara Khorum

5-Linda Komaroff, & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan*, New York, The Metropolitan Museum of Art, 2002, p. 171.

6-Ibid, p. 5.

۷-یعقوب، آژند، تأثیر عناصر و نقش مایه‌های چینی در هنر ایران، هنرهای زیبا، شماره ۹، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، تهران، تابستان ۱۳۸۰، ص۲۳.

۸-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، ترجمه‌ی غلامرضا تهامی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، ص ۷۸.

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به اهمیت منسوجات نفیس دوره‌ی ایلخانی، شگفت‌آور نیست که طرح‌ها و نگاره‌های منسوجات ایرانی در سایر زمینه‌های هنر و معماری ایلخانی نیز انعکاس یافته باشد. نقوش کاشی‌ها، سرامیک‌ها و نقاشی‌های این دوره، با درجات متفاوتی، این تأثیر را نشان می‌دهند. تعداد منسوجات باقی‌مانده مربوط به این دوره بسیار اندک است، اما در آثار دیگری مانند سفال‌ها، کاشی‌ها و نقاشی‌های این دوره، می‌توان به شواهدی دست یافت که وضعیت هنر و صنعت پارچه‌بافی و پوشاک این دوره را روشن‌تر می‌سازد. حضور عناصر طراحی چینی و ایرانی و شیوه‌های بافت پارچه در تولیدات دوره‌ی ایلخانی قابل مشاهده است.

طرح و نقش پارچه‌های چینی

آشنایی هنرمندان ایرانی با هنر چین، غالباً از طریق تزیینات ظروف سرامیکی و پارچه‌های چینی صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین کالاهای چینی که در عصر مغول بازار گسترده‌ای در ایران داشت، پارچه‌های ابریشمی چینی (دیبای چینی) بود.[۹] در طی اکتشافات باستان‌شناسی سر اورل اشتاین[۱۰] در منطقه‌ی لولا،[۱۱] ویرانه‌ای متروک در ترکستان، قطعات پارچه‌های طرح‌دار مربوط به دوره‌ی هان به دست آمده است. این پارچه‌ها طرح‌های ظریف و پیچیده‌ای دارند و در آن‌ها تصاویر مشابهی که در سایر هنرهای این دوره دیده می‌شود، به کار رفته است. در میان این عناصر تزیینی؛ تصویر اژدها، سیمرغ و جانوران افسانه‌ای دیگر، پرندگان و حیوانات (قرینه)، مقابل یکدیگر و اسب به روشنی مشهود است. همچنین طرح‌های هندسی از نقش مایه‌های اصلی تزیینی این نوع پارچه‌ها است.[۱۲] تصویر اژدها که دارای دو بال عقاب با پنجه‌های شیر و دم مار است و در میان ابرها پرواز می‌کند، از موضوعات تزیینی متداول چینی است که نمادی از امپراتوری چین به شمار می‌آید. سیمرغ، پرنده‌ای اسطوره‌ای است که تن آن شبیه اژدها و سرش شبیه خروس است و نمادی از جاودانگی محسوب می‌شود و به عنوان عنصری تزیینی در پارچه‌ها و سایر هنرهای چین به کار رفته است. شکل سیمرغ در حال پرواز با بال‌های گشوده و دم باز، از منسوجات چینی اقتباس شده است. نقش پرندگان در حال پرواز و حیوانات مقابل هم نیز در بافته‌های چین به کار رفته است.[۱۳]

طرح پارچه‌هایی که در دوره‌ی سونگ بافته شده‌اند، حالت طبیعت گرایانه، انواع گل‌ها، گیاهان، حیوانات، شیر، سیمرغ و پروانه‌ها است. در این زمان طرح انواع گل‌ها، مانند گل صدتومانی و لوتوس روی پارچه‌ها بافته می‌شد و طرح‌های هندسی، نظیر شطرنجی، پوست لاک پشتی، پوست ماری، ساقه‌ی گیاه بامبو و ساقه‌ی خرمالو برای تزیین بافته‌ها به کار می‌رفت.[۱۴]

بافندگان ایرانی نیز برای تزیین بافته‌های خود، از عناصر تزیینی چینی، مانند اژدها و دیگر جانوران اسطوره‌ای و تخیلی مانند شیر بالدار استفاده می‌کردند و نقش گل‌ها و قطعات ابر، با شیوه‌ی چینی (تای یا تشی)[۱۵] که از ویژگی‌های پارچه‌های چینی بود، نیز توسط بافندگان ایلخانی به کار گرفته می‌شد.[۱۶] نقش ابرهای اسفنجی، آرایه‌ای دیگر است که در منسوجات ایرانی کاربرد داشته و هنرمندان ایرانی آن را از هنر چین اقتباس کرده‌اند. یکی دیگر از معمول‌ترین نقش مایه‌ی چینی، نقش انواع گل‌ها و به خصوص گل نیلوفر است که به گونه‌ی مستقل، یا صورت افشان یا به صورت شش برگی در درخت تاک به کار رفته است. گل و مرغ، پروانه، گل، مناظر باغ از دیگر عناصر تزیینی چینی در این دوره است.[۱۷]

اشکال ابر مانند یا ابرک، اژدها و دُرنا، بدون شک در بافته‌ها و پارچه‌های ابریشمی چین وجود داشته و صنعتگران ایرانی از آن‌ها تقلید کرده و در بافته‌های خود آن‌ها را به کار گرفته‌اند.[۱۸] در تزیینات پارچه ای این دوران، خطوط موج‌دار، منفرد و دوگانه، که یادآور ترسیم ابرها به شیوه‌ی چینی است، نیز دیده می‌شود.[۱۹] وجود تعدادی پارچه‌ی نفیس از دوره‌ی مغول نشان می‌دهد که بافته‌ها در انتقال نقش مایه‌های هنری از شرق آسیا به ایران، مؤثر بوده‌اند. اگر چه برخی از این نقش مایه‌ها، مانند اژدها ریشه در هنر و فرهنگ چین دارند، اما توسط بافندگان ایرانی، بدون توجه به معانی نمادین آن‌ها، استفاده شده‌اند.

طرح و نقش منسوجات ایلخانی

www.SID.ir

انواع پارچه‌هایی که تا قبل از استیلای مغول، در ایران تولید می‌شد، کماکان توسط هنرمندان

۹-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، پیشین، ص ۴۹.

10-Sir Aurel Steim

11-Lulan

۱۲-جرالد، فیتس، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲.

۱۳-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، پیشین، صص ۶۷-۶۳.

14-Scott, Philippa, *The book of Silk*, Thames and Hudson Ltd, London, UK,1993, p.36.

15-Tshi-Tai

۱۶-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، پیشین، ص ۷۹.

۱۷-یعقوب، آژند، تأثیر عناصر و نقش مایه‌های چینی در هنر ایران، پیشین، ص ۲۴.

۱۸-بازیل، گری، نقاشی ایرانی، ترجمه‌ی عرب علی شروه، تهران، عصر جدید، ۱۳۶۹، ص ۲۷.

۱۹-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، پیشین، ص ۴۹.

Archive of SID

این دوره نیز بافته می‌شد. منسوجات نفیس این دوره شامل ابریشم‌های بافته شده با نخ‌های طلایی است، به خصوص که هم طرح و هم زمینه‌ی پارچه با طلا بافته می‌شد، از این گونه می‌توان پارچه‌ی نسیج[۲۰] را نام برد. در تبریز که مقر حکومتی ایلخانان بود، پارچه‌های زربفتی تهیه می‌شد که به عنوان هدایای سیاسی به دربار سلطان مصر فرستاده می‌شد.[۲۱] تعدادی از طرح‌های منسوجات این دوره در ایران، تاثیر هنر چین را به خوبی نشان می‌دهند. جانشینان چنگیزخان در ایران علاقه‌ی زیادی به ارتباط با چین داشتند، بنابراین رفت و آمد هنرمندان چینی و ایرانی، زمینه‌ی مناسبی را برای کسب تجارب هنری از دو سو مهیا ساخت. در این دوره تاثیر شیوه‌های چینی در تزیین انواع بافته‌ها و پارچه‌هایی که در ایران تولید می‌شد، افزایش یافت و این تأثیرات ناشی از افزایش واردات پارچه‌های چینی به ایران و گسترش تجارت ایران با چین بود.[۲۲] هنرمندان ایرانی، طرح‌هایی تولید می‌کردند که شامل نقوش ناآشنا بود، مانند اژدها، که روی پارچه‌ی ابریشمی بافته می‌شد یا نقش حیواناتی مانند گوزن، که بر روی کاشی‌های لعاب‌دار این دوره دیده می‌شود. این نقوش از منسوجات وارداتی از چین، توسط بافندگان ایرانی اقتباس می‌شد. پارچه‌ی دیبای چینی[۲۳] در دوره‌ی ایلخانی بازار گسترده‌ای داشت و بافندگان ایرانی با تقلید از نقوش آن‌ها، انواع دیبا را تهیه و به کشورهای دیگر صادر می‌کردند. قطعاتی از دیباهای ایرانی در مقابر شهر ورنای[۲۴] ایتالیا کشف شده است. نقوش آن‌ها شامل تصاویری از جانوران اسطوره‌ای و گل‌های چینی و نوشته‌هایی به خط عربی است.[۲۵]

عناصر طراحی ایرانی و چینی و همچنین روش‌های بافت در برخی از پارچه‌های این دوره قابل شناسایی است. صرف نظر از محل تولید منسوجات، کاربرد نقوشی مانند اژدها و سایر حیوانات تخیلی در منسوجات آسیای مرکزی ویژگی‌هایی را نشان می‌دهند که ریشه در هنر کهن چین دارند. اگرچه نقش اژدها و سیمرغ ریشه در هنر چین دارد اما توسط بافندگان آسیای مرکزی، اقتباس و در پارچه‌ها بافته شده است.[۲۶] برای مثال نمونه‌ای پارچه‌ی ابریشمی لمپاس[۲۷] (تصویر۱) مربوط به این دوره، که با نخ‌های طلایی بافته شده [۲۸] در موزه گونت گورب[۲۹] برلین موجود است. این پارچه دارای نقش اژدهای چمبره زده و عنصر کتیبه‌ای است و ویژگی‌های پارچه‌های سلسله‌ی یوان[۳۰] را دارد و در اواخر سده‌ی سیزدهم/ هفتم در شرق ایران، بافته شده است. منسوجات شرق ایران، گاهی نقوش چینی داشتند که این امر اقتباسی از هنر سلسله‌ی یوان بوده است. استفاده از این نقوش تا پیش از این دوره، در پارچه‌بافی ایران دیده نشده است. نمونه‌ای از پارچه‌ی نسیج (تصویر۲) که طرح و زمینه‌ی آن با نخ‌های ابریشمی و طلایی بافته شده موجود است. طرح پارچه شامل شمسه، شیر بالدار و یک جفت شیر دال است. ترسیم حیوانات متقارن، مربوط به ویژگی هنر ایران است، اما طرح‌های ابر مانند روی بال شیرها و طرح‌های گیاهی که زمینه پارچه را پر کرده‌اند از سرزمین‌های شرقی و احتمالاً مربوط به اواخر سده‌ی سیزدهم/ هفتم از آسیای مرکزی اقتباس شده است،[۳۱] بر روی پارچه‌ی زربفت دیگری (تصویر۳)، نیز نقش دو طوطی متقارن دیده می‌شود که در زمینه‌ی آن نقش اژدهای چمبره زده وجود دارد. در هر بال پرنده، شمسه‌ای شامل نوشته‌های عربی، دیده می‌شود. این پارچه مربوط به ناصرالدین محمد ابن قلاوون[۳۲] (۱۳۴۱-۱۲۹۳/۷۴۲-۶۹۳) است و احتمالاً در آسیای مرکزی بافته شده است. حضور عناصر تزیینی ایرانی- اسلامی و چینی در این نمونه‌ها کاملاً مشهود است و به نظر می‌آید این نقوش به سایر هنرهای تزیینی ایران در دوره‌ی ایلخانی نیز انتقال یافته است.

از ویژگی‌های تزیین متداول منسوجات این دوره، رواج حواشی تزیین پارچه‌ها می‌باشد. این سبک در آن دوره، در تمام نواحی ایران رواج یافت و بافندگان از آن پیروی کردند. اما حاشیه‌ی پارچه‌ها، در این دوره به رنگ‌های متنوع مزین شد و در آن‌ها زیبایی و تنوع قابل توجهی با کاربرد عناصر تزیینی هندسی به صورت خطوط مستقیم یا متقاطع، به وجود آمد. در این دوره طرح‌ها با موضوعات جدیدی مورد استفاده قرار گرفتند، نظیر توده‌های ابر، با اشکال نامنظم به شکل مارپیچ‌های حلزونی و به حالتی غیر واقعی، که ارائه دهنده‌ی وضع ابرها بود و جزیی از طرح را تشکیل می‌داد. این طرح از نقوش پارچه‌های چینی دوره‌ی هان[۳۳] گرفته شده است. در این زمان، طرح‌های اسفنجی شکل چینی، در تمام خاورمیانه، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای شدند. این طرح‌ها در ایران، به شکل توده‌ی ابر، در غالب تزیینات اسلامی شکل گرفتند و پارچه بافان از نقوش حیوانات افسانه‌ای شرق آسیا مانند سیمرغ، اژدها، سنجاب، شیر یا گوزن استفاده نمودند.[۳۴]

20-Nasij :
پارچه ی ابریشمی طلا باف که نقش و زمینه‌ی آن با نخ‌های طلایی بافته می‌شد.

21-Linda Komaroff, & Stefano Carboni, The Legacy of Genghis Khan, optic, p.72.

۲۲-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، پیشین، ص ۴۹.

۲۳-پارچه‌ی حریر بافت چین.

24-Verna.

۲۵-حسن، زکی محمد، چین و هنرهای اسلامی، پیشین، ص ۴۹.

26-Linda Komaroff, & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan*, optic, p.66.

27-Lampas: ابریشم چینی

28-Komaroff, Linda & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan*, optic, p.66

29-Kunstgewerbe Museum.

۳۰-سلسله‌ی یوان (۱۳۶۸-۱۲۶۰/۷۷۰-۶۵۹) به دنبال هجوم قوم مغول در چین به روی کار آمد و یکی از دودمان‌های غیرچینی در تاریخ چین بود و حدود صد سال بر چین حاکمیت داشت.

31-Linda Komaroff, & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan*, optic, p.64.

۳۲-ناصرالدین محمد ابن قلاوون (۱۳۴۱-۱۲۹۳/۷۴۲-۶۹۳) از سلاطین ممالیک مصر هم زمان با دوره‌ی ایلخانی است.

۳۳- دودمان هان (۲۰۶ قبل میلاد تا ۲۲۱ میلاد) از سلسله‌های اصلی در تاریخ چین، که در آن گسترش وسیع جغرافیایی چین صورت گرفته است. در این دوره، آیین بودایی وارد چین شد.

۳۴-آکرمن، فیلیس، نساجی ایران، بافته‌های دوران اسلامی، ترجمه‌ی [illegible]، سازمان صنایع دستی ایران، تهران، ۱۳۶۱، ص۱۵۷.

www.SID.ir

تصویر۱: وسط، پارچه‌ی ابریشمی با نقش اژدهای چمبره زده و کتیبه، موزه ی برلین.
تصویر۲: راست، پارچه‌ی نسیج با عناصر ایرانی و چینی، هنر کلیولند.
تصویر۳: چپ، پارچه‌ی زربفت ایران با نقش اژدهای چینی، موزه ی برلین.

با افزایش تجارت بین شرق و غرب آسیا، هنر در ایران شکوفا شد؛ زیرا در میان کالاهای چینی وارداتی، کالاهایی چون سرامیک، ابریشم و کالاهای تجاری بود که هنرمندان ایرانی را مجذوب خود می کرد. هنرمندان ایرانی از نقوش این قسم آثار چینی در نقش و نگار پارچه بافی استفاده می کردند.

با مهاجرت تعدادی از بافندگان چین به نقاط مختلف امپراتوری ایران از جمله هرات، تأثیرات چشمگیری در هنر آسیا به وقوع پیوست. هنرمندان ایرانی در کارگاه‌های مغول مشغول کار بودند. آن‌ها از شهرهای خراسان مانند هرات که در تهیه‌ی پارچه‌ی ابریشم زربفت معروف بود و از شهر سمرقند در ترکستان انتخاب می‌شدند. بافندگان چینی هم در نواحی شرق آسیای مرکزی ساکن شدند تا برای حکمرانان مغول پارچه‌های زیبا ببافند. این کار باعث نفوذ نقوش شرق آسیا به غرب آن شد و لذا منسوجاتی که در چین تولید می‌شد، در ایران هم بافته شد.[۳۵]

طرح و نقش منسوجات بر ظروف سفالین

انواع ظروف چینی طبق روال همچنان از گذشته به ایران وارد می‌شد، اما پس از ۶۴۸/۱۲۵۰ می توان به همراه نقش مایه‌های چینی‌وار، نقوش دیگر در هنرهای ایران را مشاهده نمود. در این دوره نقش مایه‌ها از کالایی به کالای دیگر و به خصوص از منسوجات به دیگر هنرها منتقل می‌شدند. ظروف سفالی ایلخانی منبع مهمی در شناخت طرح پارچه و انواع البسه مورد استفاده در آن دوره است. مثلاً بر روی یک کاسه‌ی مینایی که از این دوره به دست آمده، نقشی از دو انسان دیده می‌شود که بر روی البسه‌ی آن‌ها، چند ضلعی‌هایی همراه با نقوش ستاره‌ای و هندسی دیده می‌شود؛ این نوع طرح شبیه نقوش کاشی‌های آن دوره است. این بشقاب با تکنیک نقاشی روی لعاب، تاثیر هنر چینی در چهره، موی سر و برخی تزیینات جامه‌ی اشخاص را نشان می‌دهد. همچنین روی کاسه‌ی مینایی دیگری، تصویر هفت انسان در قاب‌های دایره‌ای دیده می‌شود. طرح تزیینی برخی از لباس‌ها، شبیه نقوش کاشی‌های این دوره است و برخی دیگر نیز طرح‌های اسلیمی دارد، به تصاویر ۴[۳۶] و ۵[۳۷] مراجعه شود.[۳۸] تعدادی کاسه‌ی سفالی نقش‌دار، متعلق به سلطان آباد[۳۹] هم یافت شده که با عناصری تزیین شده‌اند که با نقوش دوره‌ی ایلخانی قابل مقایسه هستند. بر روی این کاسه‌ها، نقش سیمرغ هم متأثر از هنر چین دیده می‌شود،[۴۰] نمونه‌ای از آن در تصویر۶ دیده می‌شود. سفالینه‌هایی دیگری که سبک آن‌ها مربوط به دوره‌ی ایلخانی است، معروف به ظروف سلطان

35-Komaroff, Linda & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan,* optic, p.167.

۳۶-نقش انسان روی کاسه‌ی سفالی، نقاشی روی لعاب.
۳۷-اسب سواران در هفت دایره‌ی چرخان، کاسه‌ی سفالی با تکنیک نقاشی روی لعاب.
۳۸-زهره، روح فر، پارچه‌بافی دوره‌ی ایلخانی، مطالعات هنر اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱.
۳۹-سلطان آباد نام قدیم اراک، یکی از مراکز مهم ساخت سفالینه‌ها با تکنیک نقاشی زیر لعاب، در دوره‌ی ایلخانی بود.
۴۰-باربارا، برند، هنر اسلامی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، شماره ص: ۱۳۳.

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر۴: بالا، نقوش پارچه و لباس در سفالینه ایلخانی، کلکسیون کلکیان.
تصویر۵: چپ، نقوش پارچه و لباس در سفالینه ایلخانی، مجموعه ی مورتیمرشیف.
تصویر۶ : راست، کاسه‌ی سفالی با نقش سیمرغ، موزه ی آشمولین آکسفورد.

Archive of SID

آباد است. تزیین این ظروف با آرایه‌های تزیینی همچون نقوش گل و برگ‌ها، انواع پرندگان، خرگوش‌ها و گربه‌سانان با شیوه‌ای طبیعت گرایانه، تحت تأثیر هنر چین، در این دوره انجام شده است. این مسئله در نقش پیکره‌هایی که جامه‌ی مغولی بر تن دارند کاملاً مشهود است، این نقوش احتمالاً از بافته‌های این دوره، نظیر البسه‌ی افراد در تصاویر ۴ و۵ اقتباس شده‌اند.

طرح و نقش منسوجات بر کاشی

تسلط مغولان بر ایران و ایجاد روابط هنرمندان چینی و ایرانی، تأثیرات زیادی بر هنر ایران داشت و موجب مبادلات هنری بین صنعتگران شد. هولاکوخان تعدادی از هنرمندان چینی را به ایران دعوت کرد که در نتیجه تقابل هنری آن‌ها با صنعتگران ایرانی، کاشی کاری ایران رونق گرفت.[۴۱] تنها قصر مغولی به جا مانده در ایران، کاخ آباقاخان در تخت سلیمان آذربایجان، تزیینات معماری دوره‌ی ایلخانی را نمایش می‌دهد.[۴۲] مهم‌ترین کشفیات این محل، کاشی‌های لعاب‌دار کاخ می‌باشد که اطلاعاتی در مورد نوع نقوش به کار رفته در بخش‌های مختلف کاخ، را به نمایش می‌گذارد. این کاشی‌ها که عمدتاً با روش قالب زدن تهیه شده‌اند، شامل نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی و تجریدی هستند. هنرمندان ایرانی این دوره، مهارت زیادی در آراستن بناها، با کاشی‌های ستاره‌ای شکل داشتند که فاصله‌ی بین این ستاره‌ها را با آجرهای دیگری به شکل صلیب پر می‌کردند. به نظر می‌رسد که تصویرگران در ترسیم تزیینات کاشی و سفال، دسته جمعی کار می‌کردند و سبک‌های هنری چین، در آغاز این دوره، سبک غالب بود که بعدها ایرانیان آن‌ها را با روح ایرانی و اسلامی عجین نمودند.[۴۳] در این دوره برجسته‌کاری در کاشی، مقام ممتازی یافت. تعدادی کاشی لعاب‌دار مربوط به این دوره دارای شکل انسان یا حیوان هستند که نوشته‌ی دور آن‌ها، به رنگ سفید روی زمینه‌ی سرمه‌ای دیده می‌شود.[۴۴] بر روی کاشی‌های این کاخ، تصاویری مانند اژدها، سیمرغ، درنا، گل نیلوفر، ابر و نقوش گیاهی دیده می‌شود.[۴۵] در دوره‌ی مغول نقوش هنری در آسیا از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر منتقل می‌شد. تأثیر طرح و نقش منسوجات چینی و آسیای مرکزی در نقوش کاشی‌های تخت سلیمان روشن است. اژدها و سیمرغ‌های نقش شده بر کاشی‌های تخت سلیمان، از نوع طراحی اژدهای آسیای مرکزی نیستند بلکه از منابع چینی تأثیر پذیرفته‌اند.[۴۶] نقوش تعدادی از کاشی‌های تخت سلیمان، از نقوش منسوجات دوره‌ی اولیه‌ی اسلامی، اقتباس شده است. در این بین نوع نقوش به کار رفته در این منسوجات، باعث شناخت بهتری از نقوش کاشی‌های تخت سلیمان شده است. بر روی تعدادی از کاشی‌های ستاره‌ای شکل این محل، نقوش اژدهای چمبره زده و سیمرغ بال گشوده در حال پرواز، دیده می‌شود. تصاویر ۷ و ۸ نمونه‌ای از کاشی تخت سلیمان با طرح اژدها و تکنیک لاجوردی را به نمایش می‌گذارد. بررسی کاشی‌های لعاب‌دار و لاجوردی تخت سلیمان، بیانگر کاربرد عناصر هنری چین، در این کاشی‌ها است. انواع کاشی‌های لعاب‌دار مکشوفه در این محل، دارای تصویر اژدها است. استفاده از نقش مایه‌های تزیینی شرق دور، در تخت سلیمان، نشانه‌های آشکار ارتباط نزدیک هنرمندان شرق و غرب آسیا در دوره‌ی مغول است.

تصویر۷: پایین، نقش سیمرغ بر کاشی لعاب‌دار تخت سلیمان، انستیتو اسمیت سون، واشنگتن دی سی

تصویر۸: بالا، نقش اژدها بر کاشی لعاب‌دار تخت سلیمان، موزه ی برلین.

www.SID.ir

۴۱-محمود، ماهرالنقش، طرح و اجرای نقش در کاشی کاری ایران، فصل نامه هنر، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۷۸، ص۸۴.

۴۲-یعقوب، آژند، تأثیر عناصر و نقش مایه‌های چینی در هنر ایران، پیشین، ص۲۳.

۴۳-حسن، زکی محمد، هنر ایران در روزگار اسلامی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم اقلیدی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۷، ص۳۴.

۴۴-ویلسن، ج. کریستی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه‌ی عبدا.. فریار، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۱۷، ص۱۷۲.

۴۵-یعقوب، آژند، تأثیر عناصر و نقش مایه‌های چینی در هنر ایران، پیشین، ص۲۳.

46-Linda, Komaroff & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan*, optic, p.66.

Archive of SID

پارچه‌ی گلدوزی شده‌ی چینی مربوط به دوره‌ی یوان، طرح گل لوتوس و گل صدتومانی را نشان می‌دهد. (تصویر ۹) همچنین استفاده از نقش حیوانات اساطیری در بافته‌های چینی دوره‌های پیشین نیز قابل پیگیری است. تصویر سیمرغ در حال پرواز، بر زمینه‌ای از گل و گیاه بر روی پارچه‌ی ابریشم زربفت دیگری، با رنگ زمینه‌ی سبز مربوط به سده‌ی سیزدهم/ هفتم از شرق آسیای مرکزی در تصویر ۱۰ دیده می‌شود. این عناصر در تزیین کاشی‌ها نیز به کار رفته‌اند.

www.SID.ir

تصویر۹: چپ، پارچه‌ی گلدوزی با نقش لوتوس، محل نگهداری؟.
تصویر۱۰: راست، پارچه‌ی زربفت با نقش سیمرغ در حال پرواز، مجموعه ی منسوجات لوس آنجلس.

Archive of SID

طرح و نقش منسوجات در نقاشی

نقاشی ایران در دوره‌ی ایلخانی، متأثر از مکتب نقاشی چینی، متعلق به سلسله‌ی یوان (۱۳۶۸-۱۲۸۰/۷۷۰-۶۸۲) است. تقلید از نقش‌مایه‌ها و موضوعات نقاشی چینی در نقاشی مغولی، رواج فراوانی یافت تا آن جا که برخی از تصاویر ایرانی آن دوره، در آغاز به نقاشان چینی نسبت داده می‌شد یا گمان می‌رفت که دقیقاً از نقاشی‌های چینی کپی‌برداری شده است. اما پس از بررسی‌ها و مطالعات محققان علاقمند در این زمینه، مشخص شد که تشابه این نقاشی‌ها و نقاشی‌های چینی بیشتر از آن لحاظ است که نقاشان ایرانی تحت تأثیر سبک‌های چین قرار گرفته‌اند. منسوجات منبع مهمی، در عرضه‌ی عناصر نقاشی چینی به نقاشی ایران بود. در اوایل دوره‌ی ایلخانی، بافندگان از گروه‌های اصلی طراحان بودند و احتمالاً با طراحی روی کاغذ، طرح‌های زیادی برای هنرمندان در سراسر ایران فراهم می‌شد. این احتمال وجود دارد که کاغذ از اواسط سده‌ی هشتم/ دوم در کشورهای اسلامی کاربرد داشت اما بسیار گران قیمت و پر هزینه بود. در دوره‌ی مغول، با امکان تهیه‌ی کاغذ، کتاب‌های خطی با قطع بزرگ و تصاویر پر از جزییات به وجود آمد.[۴۷] هر چند که مغول‌ها، منشاء ویرانی و خرابی بودند اما آثار مثبتی نیز در صنعت نساجی ایران از خود بر جا گذاشتند، از آن جمله، ذخایر هنر نساجی ایران را از نظر طراحی و بافت، غنای قابل توجهی بخشیدند. پیامد تغییرات حاصله ناشی از طراحی، در نگارگری این زمان مشهود است. بسیاری از این طرح‌ها با دقت زیاد بر روی پارچه‌ها، نه تنها پارچه‌های لباسی، بلکه بر روی پرده‌ها و روتختی‌ها، نیز انتقال یافته بود.[۴۸] تأثیر شیوه‌های چینی، بر البسه‌ای که در نقاشی‌های کتب خطی مصور نقش شده و در دوخت برخی جامه‌ها و کلاه‌های کاسه‌ای شکل بدون لبه، به خوبی مشهود است. هنرمندان ایرانی تحت تأثیر سبک‌های چینی در نگارگری ایرانی تغییرات قابل توجهی ایجاد نمودند. این تأثیر در چهره‌پردازی شخصیت‌ها و عناصر طبیعت به خوبی نمایان است؛ به نحوی که تحرک بیشتری در طراحی‌های پیکره‌ی انسانی و حیوانی تصاویر دیده می‌شود. در دوره‌ی ایلخانی منسوجات در بسترهایی چون پوشاک، مبلمان و اثاثیه‌ی منزل به کار می‌رفتند که در نقاشی‌ها این نوع کاربرد به وضوح نمایان است. در تصاویر تاج‌گذاری شاهان ایلخانی، لباس‌های ابریشمی زربفت که بر تن آن‌ها خودنمایی می‌کند، دیده می‌شود. برخی از متخصصین نقاشی ایرانی، معتقدند که نقاشی دوره‌ی ایلخانی از برخی جهات متأثر از هنر چین است؛ به خصوص در نوع پرداخت کوه‌ها، درختان و ابرها، ویژگی‌هایی دیده می‌شود که نمونه‌ی آن در آثار چینی نیز قابل مشاهده است. ابرهای درهم پیچیده در آسمان، حالت‌های اسفنجی آب، عدم لطافت در کوه‌ها و صخره‌ها، صراحت و پرداخت دقیق پیکره‌ی حیوانات و درختان بزرگ، از ویژگی‌های نقاشی ایلخانی است. کیفیت فرهنگ نقاشی مغولان، بر فرهنگ و هنر چین متکی بود. در آن دوره تعدادی از هنرمندان چینی راهی ایران شدند، از جمله‌ی آن هنرمندان، می‌توان به هنرمندانی اشاره داشت که ارغون شاه، از آنان جهت انجام و تکمیل نقاشی دیوارهای معابد بودایی دعوت کرد.[۴۹] ویژگی‌های نقاشی این دوره، ترسیم خطوط کناره نمای نه چندان دقیق و مواج، مفهوم جدیدی از فضا و ارائه‌ی احساس زنده از طبیعت است. پیکره‌های انسانی که قبلاً به گونه‌ای قالبی کار می‌شد، در این دوره با ظرافت و تناسبات واقعی نقاشی شد و چین و شکن لباس‌ها با عمق بیشتری اجرا شد.[۵۰] در پارچه‌های ایلخانی موضوعات تزیینی گیاهی که شکل طبیعی آن‌ها تغییر یافته، دیده می‌شود که البته این تغییر، شباهت آن را با اصل از بین نبرده است. این موضوعات شامل برگ درختانی است که از ساقه نمی‌رویند بلکه از ریشه‌ی درخت و گاهی از زمین می‌رویند و سراسر پارچه را پوشانده و آن را به صورت باغچه و گلزار سرسبز و خرمی در می‌آورند. در این زمان طرح لوتوس به صورت عنصر تزیینی طرح‌های ایرانی درآمد. طرح لوتوس ابتکار جدیدی نبود اما طی دو سده به عنوان یکی از عناصر اصلی طراحی پارچه مورد استفاده قرار گرفت. شکل ابر، نقش آب، اسب شاخ دار، گیاه بامبو و تنه‌ی درختان با شاخه‌های پیچ واپیچ از مواردی هستند که از چین وارد هنر ایران شده و در آثار هنری به کار رفته است.[۵۱] در تعدادی از نگاره‌ها، عناصر چینی و ایرانی در کنار هم قرار گرفته‌اند و عناصر ایرانی مسلط بر عناصر چینی است.

تأثیر هنر چین بر جنبه‌های مختلف نقاشی ایران در کتب منافع الحیوان[۵۲] ابن بختیشوع (۱۲۹۹/۶۹۷)،[۵۳] جامع التواریخ خواجه رشیدالدین و شاهنامه مغولی معروف به "شاهنامه‌ی دموت" به خوبی هویدا است.[۵۴] در کتاب منافع الحیوان، شیوه‌های نگارگری مکتب عباسی، طراحان ایرانی

www.SID.ir

۴۷-شیلا بلر، ام بلوم جاناتان، هنر و معماری اسلامی، ترجمه‌ی اردشیر اشراقی، تهران، سروش، ص۴.

48-Komaroff, Linda & Stefano Carboni, *The Legacy of Genghis Khan,* optic, p.169.

۴۹-شراتو، امبرتو و ارنست گروبه، هنر ایلخانی و تیموری، پیشین، ص۱۷.

۵۰-مرتضی، گودرزی، تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص۲۲.

۵۱-یعقوب، آژند، تأثیر عناصر و نقش‌مایه‌های چینی در هنر ایران، پیشین، ص۲۴.

۵۲-کتاب منافع الحیوان(جانور شناسی) به دستور غازان خان در سده‌ی سیزدهم/ هفتم در مراغه تهیه شد. این کتاب دارای ۹۴ نگاره است.

۵۳-شراتو، امبرتو و ارنست گروبه، هنر ایلخانی و تیموری، پیشن، ص۲۰.

۵۴-یعقوب، آژند، تأثیر عناصر و نقش مایه‌های چینی در هنر ایران، پیشین، ص۲۴.

Archive of SID

تصویر۱۱: راست، شاهنامه‌ی دموت، مرگ اسکندر، نگارخانه ی هنری فریر
واشنگتن دی سی.
تصویر۱۲: چپ، شاهنامه‌ی دموت، تشیع جنازه‌ی اسفندیار، محل نگهداری ؟.

و نقاشی چینی دیده می‌شود. محققین غالباً نگاره‌های کتاب جامع التواریخ را متاثر از نقاشی چینی می‌دانند. جهت افقی نگاره‌ها، حرکت آزاد قلم و اغراق در ترسیم تپه‌ها، نقاشی‌های چینی را تداعی می کنند.[۵۵] محققین چینی در شهر تبریز، پایتخت، حضور داشتند و خواجه رشیدالدین در تالیف کتاب خود دستیاران چینی داشته است.[۵۶] کاربرد رنگ‌های قرمز و نقره‌ای برای سایه پردازی به شیوه‌ی هاشور از کار هنرمندان چینی تقلید شده است. به خصوص در فصولی از کتاب که مربوط به چین است، تأثیر مکتب چین بارزتر است.[۵۷]

تحول نقش پارچه‌ها در تصاویر کتاب‌های جامع التواریخ و شاهنامه‌ی دموت به خوبی نمایان است. در برخی از تصاویر، لباس‌ها دارای یقه‌ی سوزن دوزی شده و نقش مایه‌های تکراری کوچک هستند.[۵۸] نگاره‌های شاهنامه‌ی دموت، سبک نقاشی مغول را در دوره‌ی ایلخانی نشان می‌دهد. در این کتاب، درختان و تپه‌ها آزادانه‌تر نقاشی شده‌اند و تأثیر هنر چینی در تعدادی از نقاشی‌های آن آشکارتر است. از میان نقاشی‌های آن می‌توان به مجلس سوگواری اسکندر اشاره کرد. در این نقاشی، تابوت اسکندر روی سکویی مانند تخت امپراتوران چین قرار دارد و روی آن نقوش چینی حکاکی شده است. در اطراف تخت، چهار شمع در شمعدانی به سبک اسلامی قرار دارد و تمام این‌ها بر روی فرشی، شامل خطوط کوفی تجریدی، قرار دارند که در مجلس مویه اسکندر، برگی از شاهنامه دموت، مربوط به مکتب تبریز، اوایل سده‌ی چهاردهم/ هشتم (تصویر۱۱) دیده می‌شود. در بالای تابوت، فانوس‌های بلورینی قرار دارند که در مساجد از آن‌ها استفاده می کردند. لذا ابداعات چینی در این نقاشی کاملاً هویدا است.[۵۹] نقاشی تشیع جنازه‌ی اسفندیار نیز نقش روایت معروف چینی، مرغابی‌هایی در حال پرواز را نشان می‌دهد. تأثیر هنر چین در چهره‌ی اشخاص و جامه‌ی آن‌ها نمایان است. پارچه‌ی زربفتی که روی تابوت را می‌پوشاند طرحی از آهو را در بر دارد که اقتباس ایرانی از نقش‌مایه‌های تزیینی چینی است.[۶۰] پرواز پرندگان از نقش مایه‌های مرسوم تزیینی منسوجات چینی در آن دوره بوده است. در مجلس تشیع اسکندر از شاهنامه‌ی دموت (تصویر۱۲) عناصر تزیینی چینی در البسه‌ی پیکره‌ها به خوبی دیده می‌شود. اشکال ابر، اژدها، سیمرغ و درنا بدون شک در بافته‌ها و پارچه‌های ابریشمی چینی وجود داشته و هنرمندان ایرانی از آن‌ها اقتباس نموده‌اند.

۵۵-کن بای، شیلا، نگارگری ایرانی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۳۶-۳۴.
۵۶-بازیل، گری، نقاشی ایرانی، پیشین، ص۲۸.
۵۷-بینیون، لورنس و دیگران، سیر تاریخ نقاشی ایران، ترجمه‌ی محمد ایران منش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص۱۰۰.
۵۸-باربارا، برند، هنر اسلامی، پیشین، ص۱۴۷.
۵۹-بازیل، گری، نقاشی ایرانی، پیشین، ص۳۶.
۶۰-بینیون، لورنس و دیگران، سیر تاریخ نقاشی ایران، پیشین، ص۱۰۱.

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه

پس از حمله‌ی مغول به ایران و فتح کامل این سرزمین، مغولان حکومتی را بنیان نهادند که به حکومت ایلخانی شهرت یافت. شواهد متعددی نشان می‌دهد که منسوجات در انتقال ایده‌های هنری و نقوش از شرق آسیا به ایران، مؤثر بوده‌اند. در این دوره، منسوجات چینی به ایران وارد می‌شد و بافندگان نیز از چین به ایران مهاجرت می‌کردند. منسوجات این دوره زبان تصویری جدیدی را در ایران عرضه کردند که نشأت گرفته از هنر چین بود. منابع تاریخی موجود، نشان دهنده‌ی آن است که ایلخانان از پارچه‌های نفیس استفاده می‌کردند؛ لذا باید با حمایت از کارگاه‌ها و احداث مراکز جدید تولیدی، پارچه‌بافی را توسعه داده باشند. بافندگان ایرانی برای تزیین بافته‌های خود از عناصر تزیینی چینی از قبیل اژدها و جانوران تخیلی استفاده می‌کردند که تا آن زمان استفاده از آن‌ها در پارچه‌بافی رایج نبود. شکل انواع گل‌های چینی مانند گل لوتوس، گل صد تومانی و قطعات ابرها و سایر موضوعات چینی که از ویژگی‌های بافته‌های چینی محسوب می شد، در تزیین پارچه‌های ایلخانی به کار می‌رفت. همچنین در سفال گری و کاشی کاری، تأثیرات هنر شرق دور در مجموعه‌ی نقش‌مایه‌های این دوره کاملاً مشهود است. بر روی تعدادی از ظروف سفالی دوره‌ی ایلخانی نقوشی از پیکره‌های انسان دیده می‌شود که تأثیر هنر چین در چهره، موی سر و تزیینات جامه آن‌ها به خوبی دیده می‌شود. بر روی برخی ظروف سفالی مربوط به سلطان آباد نیز نقش سیمرغ دیده می‌شود. در قصر مغولی آباقاخان در تخت سلیمان، تصاویری مانند اژدها، سیمرغ، پرندگان و گل نیلوفر با شیوه‌ی چینی بر روی کاشی‌ها نقش زده شده است. این تصاویر در بافته‌های چین در این دوره وجود داشته است. در دوره‌ی ایلخانی، منسوجات منبع مهمی برای عرضه‌ی عناصر نقاشی چینی به نقاشی ایران بودند. بسیاری از طرح‌های بافت روی پارچه‌های لباسی و پرده‌ها، در نگارگری به کار رفته است. تحول نقش پارچه‌ها در تصاویر کتب خطی مشخص است. اشکال ابر، سیمرغ و پرندگان که در بافته‌های چینی وجود داشت، در نقاشی‌های دوره‌ی ایلخانی دیده می‌شود. این آرایه‌های تزیینی که از هنر چین اقتباس شده‌اند مطابق با ذوق هنرمندان ایرانی و صرف نظر از معنای نمادین آن‌ها در فرهنگ چین، در نقاشی‌ها تجلی یافته‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست تصاویر

تصویر ۱: پارچه‌ی ابریشمی با نقش اژدهای چمبره زده و کتیبه، موزه ی برلین، منبع ۱۷، ص۷۲.
تصویر ۲: پارچه‌ی نسیج با عناصر ایرانی و چینی، موزه ی هنر کلیولند، منبع ۱۷، ص۶۴.
تصویر ۳: پارچه‌ی زربفت ایران با نقش اژدهای چینی، موزه ی برلین، منبع ۱۷، ص۷۲.
تصویر ۴: نقوش پارچه و لباس در سفالینه‌های ایلخانی، کلکسیون کلکیان، منبع ۹، ص ۱۵۰.
تصویر ۵: نقوش پارچه و لباس در سفالینه ی ایلخانی، مجموعه ی مورتیمرشیف، منبع ۹، ص ۱۵۱.
تصویر ۶: کاسه‌ی سفالی با نقش سیمرغ، موزه ی آشمولین آکسفورد، منبع ۳، ۱۳۳.
تصویر ۷: نقش سیمرغ بر کاشی لعاب‌دار تخت سلیمان، انستیتو اسمیت سون، واشنگتن دی سی، منبع ۱۷، ص ۲۳۴.
تصویر ۸: نقش اژدها بر کاشی لعاب‌دار تخت سلیمان، موزه ی برلین، منبع ۱۷، ص ۹۵.
تصویر ۹: پارچه گلدوزی با نقش لوتوس، مربوط به سلسله ی یوان، منبع ۱۸، ص۲۷
تصویر ۱۰: پارچه‌ی زربفت با نقش سیمرغ در حال پرواز، مجموعه ی منسوجات لوس آنجلس، منبع۱۷.
تصویر ۱۱: شاهنامه‌ی دموت، مرگ اسکندر، نگارخانه ی هنری فریر واشنگتن دی سی، منبع ۱۰، ص۹۹.
تصویر ۱۲: شاهنامه‌ی دموت، تشیع جنازه‌ی اسفندیار، منبع ۵، ص۱۳۷.

فهرست منابع

۱-آژند، یعقوب، تأثیر عناصر و نقش مایه‌های چینی در هنر ایران، هنرهای زیبا، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۰، صص ۲۹-۲۱.
۲-آکرمن، فیلیس، نساجی ایران، بافته‌های دوران اسلامی، ترجمه‌ی زرین دخت صابر شیخ، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۱.
۳- آلن، جیمز، سفالگری اسلامی، ترجمه ی مهناز شایسته فر،تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳.
۴-برند، باربارا، هنر اسلامی، ترجمه‌ی مهناز شایسته فر، تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳.
۵-بلر، شیلا و ام بلوم جاناتان، هنر و معماری اسلامی، ترجمه‌ی اردشیر اشراقی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۶-بینیون، لورنس و دیگران، سیر تاریخ نقاشی ایران، ترجمه‌ی محمد ایران منش، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۷-جرالد، فیتس، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۸-روح فر، زهره، پارچه بافی دوره‌ی ایلخانی ، مطالعات هنر اسلامی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۸۴، صفحات ۱۵۲-۱۴۳.
۹-زکی محمد، حسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه‌ی محمد خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۶۶.
۱۰-زکی محمد، حسن، چین و هنرهای اسلامی، ترجمه‌ی غلامرضا تهامی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴.
۱۱-شراتو، امبرتو و ارنست گروبه، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶.
۱۲-غیبی، مهرآسا، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، هیرمند، ۱۳۸۴.
۱۳-کن بای، شیلا، نگارگری ایرانی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۴-گری، بازیل، نقاشی ایرانی، ترجمه‌ی عرب علی شروه، تهران، عصر جدید، ۱۳۶۹.
۱۵-گودرزی، مرتضی، تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۱۶-ماهرالنقش، محمود، طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران، فصلنامه هنر، شماره۴۰، تابستان ۱۳۷۸، صص ۸۸-۸۰.
۱۷-ویلسن، ج. کریستی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه‌ی عبدا.. فریار، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۱۷.
18-Komaroff, Linda & Stefano Carboni, *The Legecy of Genghis Khan*, New York, The Metropolitan Museum of Art, 2002.
19-Scott, Philippa, *The Book of Silk*, London, Thames and Hudson Ltd, 1993.

www.SID.ir